

## عفو و گذشت

قاسم حسین زاده

فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم وجعلنا قلوبهم قاسية يحرفون الكلم عن مواضعه  
ونسوا حظًا مما ذكروا به ولا تزال تطلع على خائنة منهم إلا قليلاً منهم  
فاعف عنهم واصفح إن الله يحب المحسنين؛<sup>۱</sup>

پس آنان را به سبب پیمان شکستنشان لعنت کردیم و دل‌هایشان را بسیار سخت گردانیدیم [تا جایی که] کلمات خدا را از جایگاه اصلی‌اش و معنای حقیقی‌اش تغییر می‌دهند و بخشی از آنچه [معارف و احکام تورات واقعی] را که به وسیله آن پند داده شدند، از یاد بردند [و نادیده گرفتند] و همواره از اعمال خائنانه آنان جز اندکی از ایشان [که وفادار به پیمان خدایند] آگاه می‌شوی پس [تا نزول حکم جهاد] از آنان درگذر و [از مجازاتشان] روی گردان؛ زیرا خدا نیکوکاران را دوست دارد.

### مفهوم‌شناسی

در آیه شریفه «عفو» و «صفح» در کنار هم قرار داده شده‌اند؛ خداوند نخست امر به عفو کرده، سپس دستور به صفح داده که این مطلب حاکی از اهمیت این موضوع اخلاقی در قرآن است.

«عفو»، گذشت کردن از گناه و لغزش گناه‌کار و مجازات نکردن اوست و اصل آن، به معنای از بین بردن و زایل کردن است.<sup>۲</sup>

۱. مائده، ۱۳.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۹۴، «عفا».

«صفح»، ترک سرزنش دیگری و آن ابلغ و رساتر از «عفو» است؛ گاهی عفو است، اما صفح نیست.

مفسران گفته‌اند: «عفو» ترک عقوبت گناه کار و «صفح» ترک سرزنش آن است.<sup>۱</sup>

### تفسیر آیه

خداوند، یهود را به دلیل پیمان‌شکنی‌شان به دو مجازات کیفر نمود؛ ۱. «لَعْنَاهُمْ»؛ آنان را از رحمت خویش دور ساختیم. ۲. «وجعلنا قلوبهم قاسية»، قلوب آنان را سخت و غیرقابل نفوذ کردیم.<sup>۲</sup>

و وقتی قلبشان در مقابل حق، سخت و تسلیم‌ناپذیر باشد کلمات و گفتار هدایت‌بخش را تحریف و آن را به نوعی تفسیر می‌کنند که خلاف رضایت خدا باشد؛ کم یا زیاد می‌کنند، صورت کلمات را تغییر می‌دهند، مسائل و حقایق سعادت‌آفرین را به دست فراموشی می‌سپارند و از آنها بهره نمی‌برند. به همین دلیل، بیشترشان در حال خیانت و مبارزه علیه اسلام و دستورهای الهی‌اند.

سپس می‌فرماید: با این‌که چنین رفتاری با شما دارند، «فاعف عنهم واصفح»؛ آنان را عفو کن و از بدیهایشان صرف‌نظر کن. پر واضح است که این عفو و اغماض مربوط است به رفتارشان نسبت به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و اذیت و آزاری که به آن حضرت روا می‌داشتند، نه فعالیت‌ها و مبارزاتشان نسبت به اصل اسلام و جامعه مسلمانان.<sup>۳</sup>

### پیام‌های آیه

۱. در مقابل لغزش‌های قابل عفو دیگران، عفو کنید و از مجازاتشان چشم‌پوشی کنید (فاعف عنهم).

۲. خطای خطاکاران را به رخ آنان نکشیم و آنان را سرزنش نکنیم (واصفح).

۱. راغب، مفردات، ص ۴۸۶، «صفح» و ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص ۳۶۲، رقم ۱۴۵۷.

۲. این دو مجازات، اثر آن نقض پیمان است و چون هر سببی اثرش به فرمان خداست، این‌گونه آثار به خدا نسبت داده شده (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۱۴).

۳. طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۲۴۰ - ۲۴۱ و مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۱۲ - ۳۱۴.

فضائل اخلاقی: عفو و گذشت / ۲۷۷

۳. عفو و گذشت از دیگران و سرزنش نکردنشان ما را در مقام نیکوکاران محبوب خداوند قرار می‌دهد (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ).

۴. پیمان‌شکنی و نامردی کردن در قراردادهای اجتماعی، کیفر گرفتارشدن به لعنت الهی و سنگ‌دلی در برابر حق و قبول نکردن آن را در پی دارد (لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً).

۵. پیمان‌شکنی سبب می‌شود انسان برای رسیدن به منافع شخصی خویش، دستورهای الهی را تغییر داده، خلاف واقع مطرح کند و مواعظ و پندهای دلسوزانهٔ مرئیان و خیرخواهان را به آسانی رد کند و از آنها بهره نبرد (يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ).

### آیات و عناوین مرتبط

آثار عفو: حصول تقوا: (آل عمران، ۱۳۳ - ۱۳۴؛ بقره، ۲۳۷؛ نساء، ۱۲۸)؛ تکفیر گناه: (مائده، ۴۵)؛ عفو الهی: (نساء، ۱۴۹؛ نور، ۲۲).

پاداش عفو: (شوری، ۴۰).

موارد عفو: حقوق: (نساء، ۱۴۹؛ مائده، ۴۴ - ۴۵)؛ دیه: (نساء، ۹۲)؛ ظلم: (بقره، ۵۱ - ۵۲)؛ قرض: (بقره، ۲۸۰)؛ قصاص: (بقره، ۱۷۸؛ مائده، ۴۵).

### عفو از دیدگاه روایات

#### ۱. عفو، مایهٔ عزت آدمی

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

...ومن عفى عن مظلمة أبدل الله بها عزا في الدنيا والآخرة...<sup>۱</sup>  
...هرکس از خطا و لغزش دیگری گذشت کند خداوند عوض آن در دنیا و آخرت، عزت و سربلندی به او عطا می‌کند...  
در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است:

إِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ صَاحِبَهَا كَثْرَةَ فَتَصَدَّقُوا بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَ إِنْ التَّوَاضَعُ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَاضَعُوا بِرَفْعِ اللَّهِ وَ إِنْ الْعَفْوُ يَزِيدُ صَاحِبَهُ عِزًّا فَاعْفُوا بِعِزِّ اللَّهِ؛<sup>۲</sup>

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۸۲ و ج ۶۸، ص ۴۲۰.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۴۱۸.

همانا صدقه، مال صاحبش را زیاد می‌کند، پس صدقه بدهید تا خدا بر شما رحمت آورد و همانا تواضع، صاحب خود را بلندمرتبه می‌کند، پس تواضع کنید تا خداوند شما را مقام بلند بدهد و گذشت و عفو به‌طور قطع صاحبش را سربلند و عزیز می‌کند، پس عفو کنید تا خدا شما را عزیز و سربلند کند.

## ۲. عفو، مایه برتری آدمی

از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است:

إذا كان يوم القيامة جمع الله تبارك وتعالى الأولين والآخرين في صعيد واحد ثم ينادى مناد: أين أهل الفضل؟ قال: فيقوم عنق من الناس فتتلقاهم الملائكة، فيقولون: وما كان فضلكم؟ فيقولون: كنّا نصل من قطعنا ونعطي من حرمانا ونعفو عنم ظلمنا. قال: فيقال لهم: صدقتم ادخلوا الجنة؛<sup>۱</sup>

هرگاه روز قیامت فرا رسد خداوند انسان‌های اوّل و آخر را در یک‌جا جمع کند، سپس ندا دهنده‌ای گوید: کجایند اهل فضل و برتری؟ پس گروهی از مردم بپا خیزند، فرشتگان به استقبالشان آمده، می‌پرسند: چه چیزی مایه برتری شما شده است؟ پس می‌گویند: با هرکس که با ما قطع رابطه می‌کرد، ارتباط برقرار می‌کردیم و هرکس که ما را تحریم می‌کرد، همانند او رفتار نمی‌کردیم، بلکه - به او از اموال می‌دادیم و هرکس در حقّ ما ظلم می‌کرد، از آنان عفو و گذشت می‌کردیم. پس در حقّ آنان گفته می‌شود: راست گفتید، وارد بهشت شوید.

## حکایت

### ۱. عفو از قاتل فرزند

۱. جماعتی مهمان امام سجّاد علیه السلام بودند. یکی از خادمان با شتاب رفت و کباب از تنور بیرون آورد. سیخ‌های کباب از دستش افتاد و به سر کودک امام علیه السلام که در زیر نردبان بود برخورد کرد و کودک از دنیا رفت. خادم سخت مضطرب و متحیر شد، امام علیه السلام به او فرمود: «تو این کار را به عمد نکردی، تو را در راه خدا آزاد کردم و دستور داد کودک را غسل دهند و کفن و دفن کنند.»<sup>۲</sup>

۱. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷۳.

۲. قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۹.

۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه عفو عمومی اعلام کرد. یکی از افرادی که مشمول عفو پیامبر صلی الله علیه و آله شد هبار بن الاسود بود؛ او کسی بود که وقتی ابوالعباس بن ربیع (داماد پیامبر) همسر خود زینب (دختر پیامبر) را در حالی که باردار بود به مدینه فرستاد، در میان راه او را ترساند و بچه‌اش را سقط کرد و بدین سبب، پیامبر صلی الله علیه و آله خونش را مباح اعلام کرده بود؛ ولی در فتح مکه وی (هبار) به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از بدی عملش ابراز پشیمانی کرد و عذر خواست و گفت: یا رسول الله! ما اهل شرک بودیم، خداوند به وسیله تو ما را هدایت کرد و از هلاکت نجات داد، پس از جهلم و آنچه از جانب من به شما رسیده درگذر و عفو کن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو را عفو کردم، خداوند به تو احسان کرد که به اسلام هدایت نمود.<sup>۱</sup>

## ۲. عفو از بدگویی

در مدینه مردی بود که پیوسته امام کاظم علیه السلام را اذیت می‌کرد و به او دشنام می‌داد و هر وقت آن جناب را می‌دید به امیرالمؤمنین علیه السلام دشنام می‌داد تا آن که روزی برخی از کسان آن حضرت عرض کردند: اجازه بده ما این فاجر را بکشیم. حضرت آنان را نهی کرد و پرسید: «آن مرد کجاست؟» عرض کردند: در یکی از نواحی مدینه مشغول زراعت است. حضرت سوار بر مرکب شد، از مدینه به دیدن او تشریف برد. وقتی رسید که او در مزرعه‌اش بود، حضرت داخل مزرعه‌اش شد، رفت تا به او رسید و نزد او نشست و با او با گشاده‌روی و خنده سخن گفت و پرسید: «چه مقدار خرج زراعت کرده‌ای؟» گفت: صد اشرفی. فرمود: «چه مقدار امید داری از آن بهره ببری؟» گفت: غیب نمی‌دانم. حضرت فرمود: «من گفتم: چه اندازه امید داری عایدت شود؟» گفت: امیدوارم دویست اشرفی عایدم شود. پس حضرت کیسه زری بیرون آورد که در آن سی صد اشرفی بود و به او مرحمت کرد و فرمود: «این را بگیر و زراعت نیز باقی است و حق تعالی روزی خواهد داد تو را در آنچه امید داری.»

آن شخص برخاست و سر آن حضرت را بوسید و از آن جناب درخواست کرد که از خطاهای او درگذرد و او را عفو فرماید. حضرت تبسم فرمود و برگشت. پس از آن، آن شخص را دیدند در مسجد نشسته، چون نگاهش به امام کاظم علیه السلام افتاد، گفت: «الله أعلم حیث يجعل رسالتك»،<sup>۲</sup> خدا داناتر است که رسالت خود را در کجا قرار دهد.<sup>۳</sup>

۱. ابن اثیر، *اسد الغابه*، ج ۵، ص ۵۳ - ۵۴.

۲. انعام، ۱۲۴.

۳. قمی، *منتهی الآمال*، ج ۲، ص ۳۵۳ - ۳۵۴.

**شعر**

پس زایشان درگذر یعنی بی‌پوش  
محسنان را دوست می‌دارد خدا  
عفو احسانست و بس مستحسن است  
آن قبایح وز بیانش شو خموش  
نیک باشد عفو و صفح از هر خطا  
گر به کافر یا که آن بر مؤمن است

\* \* \*

می‌بخشمت که این همه بد بوده‌ای ببین  
در عفو لذتی ست که در انتقام نیست

\* \* \*

آن‌دم که دل به عشق دهی خوش‌دمی بود  
با آن‌که انتقام ز دشمن حرام نیست  
در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست  
در عفو لذتی ست که در انتقام نیست<sup>۱</sup>